

بسم الله الرحمن الرحيم

سیره سیاسی حضرت فاطمه زهرا «سلام الله علیها»

در دفاع از ولایت

- معصومه فراتی¹
عاطفه حسن زاده²
الهام قاسمی پوری³
فاطمه ابراهیم پور⁴

چکیده

سیره سیاسی حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت، شامل زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و بعد از رحلت ایشان می شود. چگونگی مواضع سیاسی حضرت فاطمه (س) بیانگر این مطلب است که حفظ مصلحت اسلام، از مهمترین امور است و در نتیجه، نوع برخورد ایشان با غاصبان خلافت، گویای همین مطلب است و اگر موضع احساسی از حضرت صادر می شد، اسلام و تشیع باقی نمی ماند. در نوشته حاضر، به خطوط برجسته حرکت و موضع گیری سیاسی صدیقه کبری (س) اشاره می گردد و روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. از جمله عملکردهای سیاسی حضرت زهرا (س) می توان به این موارد اشاره کرد: پشتیبانی از پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در عصر پیغمبر و همچنین اقداماتی که بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) انجام دادند از جمله: سخنرانی حضرت در جمع مهاجرین و انصار در مسجد، پرده برداری از سقیفه و عمل غاصبان خلافت، مطالبه فدک در قالب استدلال های اعتقادی و قانونی، رفتن به خانه های مهاجرین و انصار برای حمایت از امیرالمومنین (ع) و وصیت نامه سیاسی صدیقه کبری (س) که به طور واضح، بیانگر عملکرد سیاسی ایشان است.

کلید واژه: سیره سیاسی، ولایت، خلافت، سقیفه، وصیت نامه سیاسی.

1. استاد مدرسه علمیه شهید حسن حاج غفاری قم sarbazm123@chmail.ir.

2. دانش آموخته مدرسه علمیه شهید حسن حاج غفاری قم؛ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، استاد بنت الهدی وابسته به جامعه المصطفی قم،

hasanzadehhoghyahoo.com+09198673071. استاد مدرسه علمیه شهید حسن حاج غفاری قم

3. استاد مدرسه علمیه شهید حسن حاج غفاری قم؛ طلبه سطح 3 رشته تفسیر جامعه الزهراء، 09196926601، El.gh5432@gmail.com

4. دانش آموخته مدرسه علمیه شهید حسن حاج غفاری قم؛ 09162784565، sa12sa34sa56sa78@chmail.ir.

مقدمه

ابعاد زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها بهترین الگوی عملی در زندگی برای ما مسلمانان می باشد تا با عملی سازی و بهره‌وری از سیره آن بزرگوار بتوانیم در مسیر سعادت گام برداریم زیرا ایشان بعد از رسول خدا(ص) ملاک حق و باطل بودند. یکی از ابعاد مهم زندگی حضرت زهرا(س) سیره عملی سیاسی ایشان می باشد که پرداختن به آن از جهت آشکار سازی بسیاری از حقایق وقایع تاریخی بعد از رحلت پیامبر(ص) ضروری است که این امر موجب شناخت بیشتر ما از دین و راهگشای بسیاری از اختلافات می شود. در این باره کتب و پایان نامه و مقالات مختلفی نگاشته شده است از جمله:

1. مقاله مواضع سیاسی حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت امام علی(ع)، (منبع: مجله «کوثر معارف» بهار 1391 - شماره 21، محمود رضا توکلی محمدی - عزت الله مولایی نیا). این مقاله، به بیان مواضع سیاسی و مبارزات حضرت زهرا (س) و اصول و قواعد مبارزاتی آن حضرت می پردازد. در این راستا نخست، مسئله فدک، غنائم، اموال خیبر و میراث رسول خدا(ص) را نقد و بررسی می نماید، سیاسی بودن همه اعتراض های صدیقه کبری(س) علیه جریان سقیفه در دفاع از امامت و ولایت امیرمؤمنان علی (ع) را اثبات می کند و سپس به نمونه هایی عینی در مراحل مختلف مبارزات ایشان اشاره دارد.

2. پایان نامه مواضع سیاسی حضرت زهرا (س) در دفاع از ولایت، کارشناسی ارشد 1384، پدیدآور: عبدالهادی رضوی استاد راهنما: رمضان محمدی استاد مشاور: محمدمهدی باباپور، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دارای یک مقدمه و پنج فصل است. فصل اول طرح تحقیق فصل دوم گزیده هایی از زندگی و فضایل حضرت زهرا(س) و فصل سوم رحلت رسول خدا(ص) و اوضاع اجتماعی سیاسی مدینه و فصل چهارم نمونه هایی از مواضع سیاسی عملی حضرت زهرا(س) و فصل پنجم اصول و مبانی سیاسی مستخرج از سیره سیاسی حضرت است. نوشته حاضر با عنوان سیره سیاسی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در دفاع از ولایت، با کمک از مستندات تاریخی و کتب مختلف در محورهای مفهوم شناسی، واژگان کلیدی، جهاد و مبارزه حضرت در عصر پیامبر اکرم(ص) و بعد از رحلت ایشان، نمونه هایی از مواضع سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها در دفاع از ولایت از جمله: سخنرانی حضرت زهرا در اجتماع مهاجر و انصار، رفتن حضرت زهرا به خانه های انصار برای حمایت امیرالمومنین، مطالبه فدک، وصیت نامه سیاسی، سعی شده است به تبیین این موضوع مهم پرداخته شود.

1. مفهوم شناسی

در هر نوشتاری با واژگان و اصطلاحاتی مواجه هستیم که معانی گوناگونی دارند؛ لذا قبل از پرداختن به مباحث اصلی، ناگزیر به طرح بحث مفهوم شناسی هستیم. بنابراین به تعریف واژه‌های سیاست و ولایت می‌پردازیم.

1-1- مفهوم سیاست

مفاد سیاست در معنای لغوی، تدبیر، اصلاح و تربیت است؛ از این رو، در معانی امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن، حکم راندن، مصلحت اندیشیدن، کیفر دادن، تربیت و ادب کردن، تمرین دادن حیوانات، به اصلاح چیزی همت گماردن و نگاهداری و حراست، به کار رفته است. (فراهیدی، 1409ق، 336/7)، (ابن منظور، 1408ق، 108/6). در متون اسلامی و نوشته‌های علما و فلاسفه‌ی اسلامی، سیاست به معنی ملک، حکومت، ولایت، امارت، هدایت و ... آمده است؛ اگرچه در بیان اهل بیت (ع)، شاید به صراحت تعریفی از سیاست نیامده باشد، اما از محتوا و معانی سخنان ایشان می‌توان استنباط نمود که به این مسأله نظر خاصی داشته‌اند.

امام علی (ع) در چند قسمت از سخنان خود، به واژه‌ی سیاست اشاره نموده‌اند؛ مانند: «الملك سياسة» (ری شهری، 1384، 582/4). «ملك عبارت است از سیاست. «حسن السياسة قوام الرعية» (تمیمی، 1410ق، 384/3). نیکویی سیاست، باعث قوام و دوام ملت است. «حسن السياسة يستديم الرياسة» (تمیمی، 1410ق، 385/3). نیکویی سیاست، دوام ریاست را در بر دارد. «فضيلة الرياسة حسن السياسة»، فضیلت ریاست، حسن و نیکویی سیاست است. از این تعبیر دریابیم که سیاست، رابطی است میان ملك (ریاست) و رعیت؛ پس اگر ریاست را به معنی سرپرستی در نظر بگیریم و رعیت را نیز جامعه‌ای انسانی، سیاست عبارت است از تدبیری جهت اداره‌ی جامعه‌ی انسانی. (جهان بزرگی، بی‌تا، ص 15).

(: politique سیاست به فرانسوی

شناخت، اتخاذ تصمیم تخصصی، پیاده‌سازی بهترین راه و روش برای منافع فردی یا گروهی در برابر چالش‌های احتمالی یا پیشرو است. در این میان معمولاً حکومت‌ها، عامل سیاست‌ورزی و موضوع عمل گروه‌ها، افراد و بخش‌های مختلف جمعیت هستند. (بشیریه، 1387، ص 29).

1-2- مفهوم ولایت

واژه ولایت از ریشه «و، ل، ی»، در لغت به معنای نزدیکی و قرب؛ (ابن فارس، 1404ق، 141/6)، (زبیدی، 1414ق، 20/310). بر عهده گرفتن مسئولیت؛ (زمخشری، 1399ق، ص 689)، (طبرسی، 536ق، 323/3) ناصر، یاری و اداره کردن امور آمده که در واقع به کسی که به امور دنیا و مخلوقات رسیدگی می‌کند و بر آنها مسؤول است، ولی گفته می‌شود. (ابن منظور، 1408ق، 406/15). ولایت به معنی تدبیرداشتن و ولایت‌داشتن بر چیزی؛ یعنی آن را برپاداشتن و بر آن حکومت کردن. (معلوف، 2000م، 918-919) ولایت مشتق از «وَلَّى» به معنی دوست و کمک است، همچنین ولایت در مفردات راغب به معنای تصرف در امر ذکر شده است. (سجادی، 1373، 2162/3)، (راغب اصفهانی، 1412ق، 883/1).

2- جهاد و مبارزه:

سیره سیاسی مهم حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در دفاع از ولایت، جهاد و مبارزه است. جهاد و مبارزه برای اعتلای حاکمیت توحید، ارزش‌های اسلامی و مقابله با دشمنان خدا وظیفه‌ی هر زن و مرد می‌باشد. اگرچه شیوه مبارزه زن و مرد متفاوت است؛ ولی اصل دفاع از دین خدا، همراهی فرشتگان الهی و پشتیبانی از انبیاء، امری مسلم و مشترک میان زن و مرد مسلمان است. خداوند در آیه ۱۹۵ آل عمران می‌فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي

لَا أَضِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْتَى بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَلَاذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَا تُكْفَرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا يُدْخَلُ لَهُمْ جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» «پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [که] یقیناً من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباه نمی‌کنم؛ پس کسانی که [برای خدا] هجرت کردند، و از خانه‌هایشان رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگیدند و کشته شدند، قطعاً بدي هایشان را محو خواهم کرد و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، وارد می‌کنم [که] پاداشی است از سوی خدا و خداست که پاداش نیکو نرد اوست.»

در صدر اسلام هم زنان بسیاری بودند که پا به پای مردان از اسلام و ولایت دفاع می‌کردند. یکی از آن زنان سمیه زنی مجاهد بود؛ که در راه دفاع از اسلام و پیامبر اکرم(ص) جان خود را داد و به شهادت رسید. حضرت زهرا(س) نیز در عمل به مسئولیت دفاع از حق و حمایت از رسول خدا(ص) و دین الهی چه در زمان حیات پیامبر و چه بعد از رحلت آن حضرت اسوه و الگوست. (داوودی، 1391، ص 150)

1-2- نمونه هایی از جهاد و مبارزه حضرت فاطمه(س)

1-1-2- جهاد و مبارزه در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت زهرا(س) در سنین کودکی با حمایت‌های گسترده و حضور فعال‌شان از ولایت دفاع می‌کردند؛ بعد از وفات حضرت خدیجه‌کبری(س) مونس و همدم پیامبر اکرم(ص) بودند؛ که آن حضرت به سبب این محبت و مهربانی به رسول(ص) «ام ابیها» نامیده‌شد. حتی هنگامی که مشرکان بر روی سر پیامبر شکمه گوسفند ریختند حضرت زهرا(س) خود را کنار پدر رساند و سر حضرت را پاک کرد؛ و مشرکان را لعن و نفرین کردند. (بخاری، 194-256، 71/4) که به سبب همین محبت هاست که امام باقر(ع) فرمودند: «ان فاطمه کانت تکنی ام ابیها: فاطمه مکنی به ام ابیها (مادر پدرش) بود». (مجلسی، 1403، 19/43 ح 19). در سال‌های اول زندگی مشترک حضرت زهرا(س) و امیرالمومنین(ع) به دلیل حضور فعال امام علی(ع) در غالب جنگ‌ها تمام بار زندگی بر دوش حضرت زهرا(س) بود. از یکسوی مایه دلگرمی امیر المومنین در جنگ‌ها و از سوی دیگر به امور پشتیبانی جنگ به اندازه توان خود کمک می‌کرد.

نمونه‌هایی از مساعدت آن حضرت نسبت به حضرت علی(ع) و پیامبر اکرم(ص)، نحوه مشارکت در مبارزه را برای دفاع از اسلام نشان می‌دهد. از جمله: حضرت علی(ع) از پیراهن جنگی که حضرت زهرا(س) برای ایشان بافته‌بود استفاده می‌کردند. این لباس شبیه به زره بود که جان حضرت را در مقابله با زخم‌ها حفظ می‌کرد. کان لعلی قمیص من غزل فاطمه یتقی به نفسه فی الحروب». (مجلسی، 1403، 54/39). در زمان جنگ احد رسول خدا(ص) مجروح شدند و زخم‌های خود را با آب چاه می‌شستند؛ ولی خون زخم‌ها قطع نمی‌شد؛ که حضرت زهرا(س) پدر را در آغوش می‌گیرند و گریه می‌کنند و سپس حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر روی زخم‌های ایشان گذاشتند. تا خون قطع شود. (ابن اثیر، 1385، 2/157). حتی در جنگ خندق نیز حضرت زهرا(س) وقتی به دیدن پدر بزرگوارشان می‌آمدند پاره‌ای از نان برای ایشان می‌آوردند.

نوع دیگری از مشارکت حضرت زهرا(س) در جهاد و مبارزه، گرامیداشت یاد شهیدان بود؛ که به یقین در این عرصه زنان با تکریم شهیدان و گرامیداشت یاد آنان می‌توانند به خط مبارزه کمک‌کنند. بعد از ماجرای احد و شهادت جمعی از مسلمانان در آن حادثه ناگوار، حضرت در طول هفته چند روز به زیارت شهدای احد می‌رفت؛ و در آنجا اشک می‌ریخت و دعا می‌کرد. ابن‌کثیر نقل می‌کند: «و کانت فاطمه بنت رسول الله ص تاتیهم فتبکی عندهم و تدعوهم»؛ فاطمه کنار قبر شهدای احد می‌رفت، آنجا گریه می‌کرد و برای آن‌ها دعا می‌کرد. (ابن

کثیر، 1417ق-1419ق، 4/45).

از دیگر جلوه‌های یاری ایشان از اسلام و همراهی با رسول خدا(ص) حضور آن حضرت در ماجرای مباحله است. شرکت در آن جمع به همراه حضرت علی، امام حسن و امام حسین(ع) برای دفاع از حقانیت آیین نبوی و در حقیقت اعتقاد آن حضرت به دعوت رسول خدا(ص) و آمادگی جهت پذیرش هر نوع آثار مباحله بود. (داوودی، 1391، ص150)

2-1-2- جهاد و مبارزه بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله وآله:

اوج مبارزه حضرت زهرا(س) بعد از رحلت رسول خدا(ص) و دفاع از ولایت زمانی نمایان شد که مسلمانان برخلاف نص پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) را از خلافت کنار گذاشتند و جایگاه والای ولایت را به چنگ گرفتند؛ بسیاری از مسلمانان در این هنگام سکوت اختیار کردند. حضرت فاطمه(س) میدان‌دار مبارزه با این نفاق و حمایت از امیرالمومنین شد. تعدادی از اصحاب با وفا دور حضرت گردآمدند و تحت فرمان حضرت به اعتراض و مبارزه پرداختند؛ که در اینجا منزل حضرت زهرا(س) اتاق فرماندهی قرار گرفت و خود حضرت فرمانده این مبارزه و جهاد شد. (همان)

2-1-2-1- نمونه‌هایی از مبارزات هوشمندانه حضرت زهرا(س) بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) در دفاع از ولایت:

الف) عدم بیعت حضرت زهرا (س) با منتخب شورای سقیفه

سقیفه مکانی است که بعد از رحلت رسول اکرم(ص) تعداد کمی از مسلمانان برای انتخاب خلیفه در آنجا جمع شدند. در غیبت اکثریت مسلمانان و با شیوه‌ای عجیب، ابوبکر را به خلافت انتخاب کردند. سقیفه زمانی اتفاق افتاد که هنوز پیکر رسول خدا(ص) بر زمین بود. اختلاف نظر بسیاری وجود دارد که پیکر حضرت یکروز بعد از سقیفه به خاک سپرده شد یا مطابق برخی نظر ها سه روز بعد از سقیفه به خاک سپردند. (ر.ک: ابن جریر طبری، 1403ق، 3/200-199). هنگامی که پیامبر اکرم(ص) وفات یافتند؛ عمر بن خطاب مرگ آن حضرت را انکار می‌کرد و حتی کسانی را که می‌گفتند آن حضرت وفات یافته؛ تهدید به کشتن می‌نمود. (ابن جریر طبری، 1403ق، 3/201). انگیزه‌ی عمر از این کار یک‌انگیزه‌ی سیاسی بود. مطابق با حدیث ثقلین از رسول خدا(ص) نقل شده است؛ عترت پیامبر در کنار قرآن کریم سبب هدایت امت مسلمانان خواهند بود؛ که مسلمانان موظفند به آنان تمسک کنند. از این رو موضع اهل بیت(ع) در این امر بسیار مهم و تاثیرگذار است. (داوودی، 1391، ص150). عمر و ابوبکر بعد از پیروزی در سقیفه و بیعت گرفتن به سرعت به سراغ امام علی(ع) آمدند تا از حضرت بیعت بگیرند؛ چون می‌دانستند که حضرت به خاطر اسلام و پیشگیری از تفرقه به جنگ متوسل نمی‌شود؛ و بیعت با او باب مخالفت بنی‌هاشم و حامیان اهل بیت(ع) را مسدود می‌کند؛ از این رو آن بزرگوار را تحت فشار سنگینی در نخستین روزهای رحلت رسول خدا(ص) قرار دادند. زیرا بیعت گرفتن از امام علی(ع) برای آن‌ها اهمیت بسزایی داشت چرا که تاخیر حضرت در بیعت بیانگر آن بود که خلافت آن‌ها از دیدگاه شخصیت برگزیده پیامبر(ص) مورد قبول نمی‌باشد. مبارزه حضرت زهرا(س) کار خلفا را بسیار دشوار کرد و با مخالفت‌های همه‌جانبه خود با جریان سقیفه و در برابر پافشاری غاصبان خلافت برای بیعت گرفتن از حضرت علی(ع) به همگان اعلان کرد که این خلافت نامشروع است. از این رو به نقلی تازمانی که حضرت در قید حیات بودند؛ آن‌ها نتوانستند از حضرت علی(ع) بیعت بگیرند. بعد از شهادت حضرت، بنی‌هاشم بیعت کردند. (دینوری، 1410ق، 1/31). حضرت زهرا(س) از خلافت ابوبکر و اینکه مسلمانان به حضرت علی(ع) پشت کرده بودند؛ بسیار ناراحت و ناراضی بود. (جوادی آملی، 1393، ص170).

ب) سخنرانی پرشور حضرت زهرا سلام الله علیها در اجتماع مهاجران و انصار:

نیمی از زمین‌هایشان برای پیامبر باشد و نیم‌دیگر در اختیار خودشان باقی بماند. در ادامه نیز حضرت رسول(ص) بعد از پذیرش این پیشنهاد فدک را به دستور خدای متعال به حضرت زهرا(س) بخشیده و برای آن سندی را تنظیم کرده و امام علی(ع) و ام ایمن را بر این بخشش شاهد گرفتند. اما متأسفانه، ابوبکر خلیفه اول بعد از وفات حضرت رسول(ص) با این استدلال که پیامبران بعد از خود هیچ مالی را به ارث نمی‌گذارند. (طبرسی، 1415ق، 8/478). خلیفه چند روز بعد از وفات پیامبر اکرم(ص) با اجبار فدک را از حضرت گرفت؛ و کارگزاران حضرت را از آنجا بیرون کرد. (جوادی آملی، 1393، ص 171). نکته‌ی مهمی که در مسئله فدک وجود دارد این است که فدک تنها یک قضیه‌ی شخصی نبود، بلکه یک حق مستمر تا روز قیامت است و بحث حضرت زهرا(س) با ابوبکر در واقع در مورد حق ذوی‌القربی در انفال و خمس می‌باشد و منحصر به فدک نیست. دعوی اصلی در فدک احتجاج به ولایت و امامت اهل بیت است؛ زیرا پیامبر فدک را به دلیل نزول آیه‌ای از طرف خداوند «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» و حق خویشاوندان و حق تهیدست و از راه مانده را پرداز. (اسراء، 26) که در مورد حق اهل بیت در ملکیت تصرف در انفال و فیء و خمس بود به دختر بزرگوارشان عطا کردند. لازمه ولایت بر انفال و فیء، ولایت و امامت عامه است. (شیخ بحرانی، 1391، 153).

این اقدام نابخردانه، بهترین فرصت برای حضرت زهرا(س) شد تا مبارزه سیاسی و فرهنگی خود را علنی کند و چهره واقعی غاصبان خلافت و مظلومیت اهل بیت(ع) را برای جامعه اسلامی آشکار سازد. در مرحله اول حضرت نماینده‌ای به سوی خلیفه فرستاد تا اعتراض خود را در این اقدام اعلام کند؛ اما خلیفه در پاسخ آن حدیث جعلی را به عنوان مستند غصب فدک از قول پیامبر بیان کرد: (نحن معاشر الانبیاء لا نورث، ما ترکناه صدقه). (امینی، 1416ق، 6/266)؛ (ابن ابی الحدید، 1404ق، 6/46). اما حضرت هوشمندانه در این مرحله از پاسخ‌دادن به این کج‌فهمی نسبت به آیات قرآن خودداری کرد. بعد از چند روز حضرت به همراه جمع‌کثیری از زنان هاشمی و دیگر زنان مدینه وارد مسجد پیامبر شدند و مبارزه علنی خود را آغاز کردند. (جوادی آملی، 1393، ص 171).

استدلال های حضرت زهرا(س) بر غصب فدک

سپس حضرت زهرا(س) در مبارزه با غاصبین، استدلال‌ها و براهینی را بر غصب فدک اقامه کرد که به دو دسته استدلال اعتقادی و قانونی تقسیم بندی می‌شود.

1- استدلال های اعتقادی:

آن روزی که پیامبر از دنیا رفت اعتقادی را برای مردم به یادگار گذاشت؛ که همه باید به آن معتقد می‌شدند و آن هم، دینی بود که ولایت و محبت اهل بیت جزء لاینفک آن تلقی می‌شد. آن زمان هیچ اختلافی بین مسلمانان نبود؛ و در خانه‌ی حضرت علی(ع) را نسوزانده بودند. باحمله به خانه‌ی آن حضرت مردم دو دسته شدند؛ عده‌ای که جزء حمله‌کنندگان بودند؛ و عده‌ای دیگر در خانه حضرت علی(ع) مدافع آن حضرت بودند. حضرت زهرا(س) با توجه به این شکاف اعتقادی در خطابه خود، مردم را دو دسته کردند. یکی آنان که بر اعتقادات تبیین شده پیامبر پا بر جا هستند؛ و دیگر کسانی که از آن اعتقادات دست‌کشیده و مرتد شدند. با توجه به بیانات حضرت زهرا(س) می‌توان چند استدلال مطرح کرد که آن گروه از مردم را که از مبانی اصیل اعتقادی خود دست برداشتند را محکوم کرده‌اند. (محمد باقر انصاری و سید حسین رجایی، بی‌تا، ص 102). فرازهایی از کلام حضرت عبارتند از:

الف. فاطمه سیده نساء اهل الجنة:

حضرت ابتدا بالاترین فضیلت خود را مطرح کردند که پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «فاطمه سیده زنان اهل بهشت است.» این مطلب به این معنا است که حضرت زهرا(س) جزء چند نفری است که در اولین مرتبه خلقت قرار دارند و در بهشت حضرت سیده زنان است. بعد از مطرح کردن این مطلب فرمودند: وقتی سیده بانوان بهشت می‌گویند فدک از آن من است، حتما این وجود دارد که راست نگوید؟ اگر سخن کسی را که در مرتبه اول عالم وجود

است نپذیریم و از او شاهد بخواهیم در واقع او را به عنوان سیده زنان بهشت قبول نداریم. و کسی اگر واقعا از این اعتقاد خود دست برداشته است خود را معرفی می‌کند. و اگر بنا باشد ما از چنین شخصیتی شاهد بخواهیم، پس چگونه در بالاتر از این‌ها که معارف دینی‌مان است؛ براو اعتمادکنیم؟

ب. ردسختن معصوم کفر است:

حضرت زهرا(س) با استفاده از آیه تطهیر فرمودند: اگر شما سخن ما را قبول نکنید و از ما شاهد بخواهید در واقع شهادت خدا را رد کرده اید و در پی شهادت مردم هستید که شکی نیست رد سخن خدا مساوی با کفر است. اگر بنا باشد که ارزش عصمت به خاطر قبول یک قطعه زمین موثر نباشد؛ پس تکلیف معارف دینی که از سوی پروردگار به ما می‌رسد چه می‌شود؟ در این مطلب اعتقاد با آیه تطهیر محل اشکال واقع شده وگرنه صرف اعتقاد به عصمت به هیچ دلیلی نیاز ندارد. هر سخنی که از معصوم در هر موضوعی صادر می‌شود حجت است و کسی نمی‌تواند در آن کوچکترین شکی پیدا کند. بنابراین مقابله با سخن حضرت، مساوی با کفر و ارتداد است. (محمد باقر انصاری و سید حسین رجایی، بی‌تا، ص 102).

2- استدلال های قانونی:

بعد از بیان استدلال اعتقادی نوبت به استدلال قانونی می‌رسد. در اسلام قوانین خاصی وضع شده که از نظر عموم مردم معیارهای مشابهی دارد. در این جهت حضرت زهرا(س) بقدری ظریف عمل کردند که یک قاضی بلند مرتبه باید درس‌هایی از این گفتار و عمل حضرت استخراج کند، و ثابت شود که غاصبین فدک حتی آگاهی از قواعد یک قضاوت ساده را نداشتند.

در کلام حضرت فاطمة(س) جهات خلاف قانون در مسأله غصب فدک ذکر شده که به برخی موارد اشاره می‌گردد:

الف. مدعی شاهد بیاورد:

از ضروریات در قضاوت اسلام این است که مدعی باید شاهد بیاورد نه مدعی علیه؛ حضرت زهرا(س) فدک را متصرف بودند و غاصبین بر علیه حضرت ادعا داشتند و ابوبکر و عمر از حضرت شاهد بر ملکیت فدک می‌خواستند؛ درحالی‌که باید شاهد را از مدعیان بخواهند نه از کسی که علیه او ادعا می‌شود.

ب. مدعی علیه قسم می‌خورد:

نقطه دیگر در قضاوت اسلام این است که در مورد دعوی اگر مدعی شاهد کافی نیاورد و یا از آوردن شاهد عاجز باشد، طرف مقابل باید نسبت به ادعای خود قسم بخورد. ابوبکر و عمر قادر به آوردن شاهد علیه حضرت زهرا(س) نبودند. در اینجا نوبت به حضرت می‌رسد که قسم یادکند تا هرگونه اختلافی رفع شود، ولی حضرت هرگز قسم یاد نکردند.

د. «النبی لا یورث» مخالف قرآن است:

پیامبر اکرم(ص) مخالف با قرآن سخن نمی‌گویند. خداوند در قرآن با صراحت ارث‌بردن و ارث‌گذاشتن انبیاء(ص) را مطرح کرده است. چطور می‌شود که پیامبر برخلاف قرآن سخن بگوید. بدین جهت حضرت زهرا(س) از تمام جوانب قانونی راه را بر جرم بستند و جهات حقوقی کاملی را در این دادگاه در پرونده فدک گذاشتند که تا روز قیامت هرکس با هر دینی و مذهبی یا از هر قوم و ملتی آن را باز کند بتواند به راحتی درباره آن قضاوت کند. (محمد باقر انصاری و سید حسین رجایی، بی‌تا، ص 102).

د) رفتن حضرت زهرا سلام الله علیها به خانه های انصار برای حمایت امیرالمومنین:

حضرت که با مصیبت از دست دادن پدر بزرگوارشان داغ‌دار شده بودند و بعد از اطلاع از سقیفه و پشت کردن عده‌ای از مهاجرین و انصار از صراط مستقیم ولایت، به تنهایی با جایگاه‌ویژه که در بین امت اسلامی داشتند، شبانه سوار بر مرکب می‌شدند و با سکوت مظلومانه خود همراه امیرالمومنین و حسن(ع) به درب خانه‌های انصار می‌رفتند. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳ ص ۱۶۸). با آنکه در معرکه سقیفه به دست مهاجمان مصدوم شده

بود، شبها در خانه انصار را یکی پس از دیگری می زد و از آنان جهت باز پس گیری حقوق پایمال شده خلافت و امامت علی(ع)) درخواست کمک می نمود. آنان در پاسخ حضرت می گفتند: اگر علی(ع) پیش از این مرد می آمد کسی را جز او انتخاب نمی کردیم. امیرالمؤمنین(ع) در جواب می فرمودند: آیا من جنازه پیامبر اکرم(ص) را در خانه اش روی زمین می گذاشتم و دفن نمی کردم به دنبال حکومت به نزاع بر می خاستم؟! حضرت زهرا(س) در تأیید امام علی(ع) می فرمود: ابوالحسن کاری غیر از آنچه سزاوار و شایسته بود انجام نداده و آنان نیز کاری کردند که حسابشان با خداوند است. (دینوری، 1410ق، 1/12 و 13؛ ابن ابی الحدید، 1404ق، 6/13)

حضرت زهرا(س)، انصار را به دلیل عدم حمایت شان از خاندان وحی (با آنکه آنان در بیعت با رسول خدا (ص) تعهد کرده بودند)، توبیخ و ملامت و سرزنش کردند. (همان)

صدیقه اطهر(س) خطاب به انصار در مسجد الرسول(ص) فرمود: ای جوانمردان، ای بازوان اسلام، این چشم پوشی چیست که در حق من روا می دارید؟ چرا در برابر ستمی که بر ما روا داشته اند خود را به خواب بی خبری زده اید؟ در صورتی که شما توان بازستاندن حق مرا دارید. «ای وای فرزندان قبیله! آیا میراث پدرم پیش روی شما به یغما می رود، علاج کار در توان شماست و از کمک به من دریغ می نمایید؟ چرا با همه توانی که دارید و صدای مظلومیت مرا می شنوید، بدان پاسخ نمی دهید؟ شما که به جنگجویی و صلاح و سداد معروف هستید. (طبرسی، 1381، 1، 273).

و) وصیت نامه سیاسی:

حضرت زهرا(س) تا آخرین لحظه برای دفاع از علی(ع) پای فشرد و لذا در بخشی از وصیت نامه آن حضرت می خوانیم

«لا تَصَلِّ عَلَى أُمَّةٍ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ ظَلَمُونِي حَقِّي... أَذْكَرُ هَمَّ بِلَّهِ وَ بِرَسُولِهِ أَلَّا تَظْلَمُونَا وَ لَا تَغْصِبُونَا حَقَّنَا الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا، فَيَجْبُونَا لِيَالاً وَ يَقْعُدُونَ عَنْ نَصْرَتِنَا نَهَاراً؛ (مجلسی، 1403ق، 28/204) اَمَّتِي که عهد و پیمان خدا و پدرم رسول خدا(ص) را درباره (ولایت) امیرالمؤمنین(ع) شکستند و نسبت به حق من ظلم کردند، بر پیکر من نماز نگزارند. و آن هایی که نسبت به خدا و رسولش تذکر و هشدار می دادم که در موردا (اهل بیت) ظلم روا مدارید! و حق مسلمی را که خدا برای ما قرار داده است، غصب نکنید! در تاریکی شب جواب مساعد می دادند (که شما را یاری می کنیم) و در روز روشن دست از یاری ما بر می داشتند، حق ندارند بر من نماز گزارند.» راستی که این عمل بانو ماندگارترین سندی است بر علیه غاصبان و زیباترین حرکتی است در افشاگری و بروز چهره منافقان.

نتیجه گیری:

درباره سیره سیاسی حضرت زهرا(س)، مطالبی از نوشته حاضر، به دست می آید، بدین معنا که سیره سیاسی ایشان، جهاد و مبارزه بود؛ زیرا حضرت، در زمان حیات پیامبر اکرم(ص) در عرصه های مختلف، حضور داشت و پشتیبان پیامبر و امیرالمؤمنین بود. همچنین بعد از رحلت و شهادت پیامبر اکرم نیز جهاد و مبارزه و حضرت زهرا(س) ادامه داشت، بدین گونه که در جمع مهاجرین و انصار در مسجد مسائلی را از جمله، فلسفه احکام و معارف اسلامی، فلسفه امامت، فتنه انگیزی شیطان در سقیفه و عجلانه بودن این امر را تبیین نمودند. همچنین حضرت، با استدلال های اعتقادی و قانونی، فدک را مطالبه کردند و با رفتن به خانه های مهاجرین و انصار، از امیرالمؤمنین حمایت کردند. وصیت نامه سیاسی حضرت فاطمه(س) نیز اوج سیره سیاسی ایشان را گویا است.

منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

- 1- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله، (1404ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمدابو الفضل ابراهیم، جلد 1 و 6، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- 2- ابن اثیر، علی بن محمد، (1385ق)، الكامل فی التاریخ، جلد 2، بیروت، لبنان، دارصادر.
- 3- ابن فارس، احمد بن فارس، (1404ق)، مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، جلد 6، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- 4- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (1417-1419ق)، البدایه و النهایه، محقق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، جلد 4، مصر، جیزه، هجر.
- 5- ابن منظور، محمد بن مکرم، (1408ق)، لسان العرب، محقق: علی شیری، جلد 6، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
- 6- امینی نجفی، عبدالحسین احمد، (1416ق)، الغدیر فی الکتاب و اسنه و الادب، جلد 6، قم، مرکز الغدیر.
- 7- انصاری، محمدباقر، رجایی، سیدحسین، (بی تا)، اسرار فک، قم، الهادی.
- 8- بخاری، محمد بن اسماعیل، (256-194ق)، صحیح بخاری، جلد 4، بیروت، لبنان، دار الجیل.
- 9- بحرانی، محمدسند، (1391)، مقامات حضرت زهرا س در کتاب و سنت، تحقیق: احمدخوانساری، قم، بوستان کتاب.
- 10- بشیریه، حسین، (1387)، آموزش دانش سیاست، تهران، نگاه معاصر.
- 11- تمیمی، عبدالواحد بن محمد، (1410ق)، غرر الحکم و در الکلم، مصحح: مهدی رجایی، جلد 3، قم، دار الکتاب الاسلامی.
- 12- جوادی، عبدالله، (1393)، فاطمه س اسوه بشر، قم، اسراء.
- 13- جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، (1413ق)، السقیفه و فک، تحقیق: محمدهادی الامینی، بیروت، لبنان، شرکه الکتبی.
- 14- جهان بزرگی، احمد، (بی تا)، اصول سیاست و حکومت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- 15- داوودی، سعید، (1391)، بانوی بهشتی در عرصه های حضور، قم، امام علی بن ابی طالب.
- 16- دینوری، ابن قتیبه، (1410ق)، الامامه و السیاسه، جلد 1، بیروت، لبنان، دار الاضواء.
- 17- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، (1412ق)، مفردات فی غریب القرآن، مصحح: صفوان عدنان داوودی، جلد 1، بیروت، لبنان، دار الشامیه.
- 18- زبیدی، مرتضی، (1414ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیری، جلد 20، بیروت، لبنان، دار الفکر.
- 19- زمخشری، محمود، (1399ق)، اساس البلاغه، بیروت، لبنان، دارصادر.
- 20- سجادی، جعفر، (1373)، فرهنگ معارف اسلامی، جلد 3، تهران، کومش.
- 21- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد، (1409ق)، العین، جلد 7، قم، موسسه دار الهجرة.
- 22- _____، (1362)، الخصال، مترجم: صادق حسن زاده، قم، ارمغان طوبی.
- 23- _____، (1380)، عیون الاخبار الرضا، مترجم و محقق: محمد رحمتی شهرضا، قم، پیام علمدار.

- 24- طبرسى، ابو على فضل بن حسن، (536ق)، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، جلد3، تهران، مكتبة العلمية.
- 25- طبرسى، احمد، (1381ق)، **الاحتجاج**، مترجم: بهزاد جعفرى، تهران، دار الكتب الاسلاميه.
- 26- طبرى، محمد بن جرير، (1403ق)، **تاريخ طبرى**، جلد3، بيروت، لبنان، مؤسسه اعلمى.
- 27- _____، (بى تا)، **تاريخ الامم و الملوك**، بيروت، لبنان، روايع التراث العربى.
- 28- _____، (1363)، **دلائل الامامة**، قم، منشورات الرضى.
- 29- محمدى رى شهرى، محمد، (1384)، **ميزان الحكمة**، جلد 4، قم، مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث.
- 30- مجلسى، محمدباقر، (1403ق)، **بحار الانوار**، بيروت، لبنان، مؤسسه الوفاء.
- 31- معلوف، لوىس، (2000م)، **المنجد فى اللغة العربيه المعاصره**، بيروت، لبنان، دار المشرق.
- 32- هلالى، سليم بن قيس، (1377)، **اسرار آل محمد**، مترجم: اسماعيل خوينى، قم، نشر الهادى.